

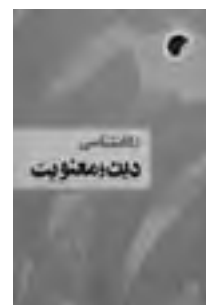
# معنویت دین و روان‌شناسی

فرشته‌ذاکر

این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و نتیجه‌گیری مختصر و ۱۲ فصل است. مقدمه از دشواری پرداختن به بحث روان‌شناسی دین می‌گوید. به همین دلیل هر کتابی که بخواهد خطر کند و به پژوهش در این بحث پردازد، چاره‌ای ندارد جز این که بسیار گزینشی عمل کند. از همین رو، محور بحث کتاب حاضر نیز سه دین بزرگ خاورمیانه؛ یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام و سه دین از شبه قاره هند؛ یعنی آیین هندو، بودا و جین است که به این شش دین بزرگ به مثابه سنت‌های بزرگ اشاره شده است.

نویسنده در پایان مقدمه کوتاهش اشاره‌ای هم به پیش‌فرض‌های خودش دارد. می‌گوید: «پیش‌فرض من این است که مزایا و منافع دین و معنویت - به ویژه معنویت - پیش از زبان‌های آن بوده است. بی‌تردید وظیفه روان‌شناس دست‌یابی به حقیقت اعتقادات دینی نیست؛ این کار وظیفه متکلم و فیلسوف است.»

فصل یک با عنوان هدف از روان‌شناسی دین چیست؟، به تأثیرات عظیم مثبت و منفی دین در جوامع اشاره می‌کند و همین بس که این حوزه، حوزه‌ای بسیار قابل توجه برای روان‌شناس دین باشد. اگر هم خواننده، این دلیل را برای مطالعه روان‌شناسی دین کافی نمی‌داند، باید گفت دلایل دیگری هم هست که امروزی است. از جمله تأثیر بنیادگرایی دینی بر دنیای مدرن، رشد آیین‌ها و تفکر موسوم به «عصر نوین»، ماهیت بسیاری از جوامع غربی که حرکت شتابانی به سوی چند نژادی، چندفرهنگی و چند دینی دارند، و کشمکش‌های دینی در شبه قاره هند، خاورمیانه و... نویسنده هم‌چنین در پایان این فصل چهار دلیل عمده را برای غفلت از روان‌شناسی دین و معنویت برمی‌شمارد. فصل دوم که عنوانش «تعاریف و معانی» است، در آن به تعاریفی چند



دیوید فونتانا، روان‌شناسی، دین و معنویت، ترجمه ا. ساوار، قم: نشر ادیان.

از دین اشاره شده است. سپس به این نکته اشاره شده که یک تعریف جامع و مانع از دین چقدر دشوار، بلکه غیرممکن است. نویسنده در ادامه دوازده ویژگی‌ای را ذکر می‌کند که به گفته نیلسن، هر تعریفی از دین که بخواهد فراگیر و جامع و مانع باشد، این ویژگی‌ها را باید داشته باشد. سپس تعاریفی چند از معنویت آمده و پس از آن تعریفی مختصر از ماتریالیسم ارائه شده است. در پایان نیز تعاریف متعددی از خدا آورده شده است.

فصل سوم با عنوان «درون‌نگری و تجربه باطنی»، از اهمیت زیاد درون‌نگری در روان‌شناسی دین و همچنین اهمیت آن برای روان‌کاوان و کسان دیگری که به انواع روان‌درمانی و مشاوره درمانی اشتغال دارند، می‌گوید. به دو جنبش روان‌پویش‌گری و رفتارگرایی اشاره می‌شود. آخرین بحث این فصل هم به روان‌شناسی انسان‌گرایانه و فراشخصی و تجربه باطنی اختصاص دارد. صحبت از رشد سریع روان‌شناسی شناختی در دهه‌های پایانی قرن بیستم است که می‌توان آن را جریانی دانست که با تجربه باطنی همسو بود.

نویسنده در فصل چهارم به بررسی دو رویکرد اصلی در روان‌شناسی دین و معنویت می‌پردازد. اولین رویکرد که آرگیل و بیت هلامی آن را رسمیت دادند، با رفتارهای مشهود و طرفداری از گروه‌ها یا سنت‌های دینی خاص در ارتباط است، که رویکردی بیرونی یا اجتماعی است. رویکرد دوم که درونی یا درون‌نگرانه است، به کشف ماهیت تجربه دینی و نیز فعالیت‌های ذهنی انسان که این تجربه‌ها را پدید می‌آورد، می‌پردازد.

در فصل پنجم محتویات و خاستگاه‌های اعتقادات دینی مورد بحث قرار می‌گیرد. اعتقادات عمده‌ای که در این فصل بدان‌ها پرداخته می‌شود عبارت است از: اعتقاد به کیفر و پاداش، ماهیت زندگی آینده (آخرت)، مراحل میانی زندگی ابدی، تجربه‌های مرگ تقریبی و پیامدهایی که این اعتقادات برای زندگی روزمره دارد.

عنوان فصل ششم «ویکردهایی به رشد معنوی» است. نویسنده ابتدا یادآور می‌شود که روان‌شناسان دین برای طبقه‌بندی شیوه‌های مختلف رشد معنوی، چندان کاری نکرده‌اند. در نتیجه نویسنده مجبور شده است که بر تلاش‌های سنن بزرگ دینی، به‌ویژه تلاش‌های محققان هند تکیه کند. در این فصل به پنج شیوه عمده برای رشد معنوی که متفکران هند ذکر کرده‌اند، پرداخته شده است. این طریقه‌ها عبارتند از: هاتا یوگا، کارمه یوگا، بکتی یوگا، جنانه یوگا، راجه یوگا.

فصل هفتم که دارای عنوان جالب توجه «معنویت و مغز» است، بسیار کوتاه و مختصر به بحث درباره ناحیه‌ای در مغز که «ناحیه خدا» نامیده می‌شود، می‌پردازد. در این فصل هم‌چنین بسیار کوتاه به مفهوم هوش معنوی، و ایشار و ارتباط آن با حالت‌های فیزیولوژیکی عصبی پرداخته شده است.

موضوع فصل هشتم تحت عنوان «ریشه‌های اعتقاد دینی»، درباره نیاز انسان به دین است. در این باب چند نظریه آمده است، از جمله: نظریه مک‌داگل، نظریه‌های روان‌پویش‌گری، نظریه روابط شیء، نگرش فروید و یونگ.

فصل نهم که کوتاه‌ترین فصل این کتاب است، «تجلی دین در اسطوره و هنرهای آفرینشی» نام دارد. در این فصل به ارتباط تاریخی دین و معنویت با اسطوره و داستان‌پردازی و قوه تخیل پرداخته شده است. شعر، موسیقی و داستان‌پردازی، هنرهایی هستند که بسیار مختصر ارتباط آن‌ها با دین مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان بحث کوتاهی نیز از وحی و خیال به میان آمده است.

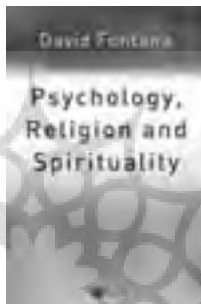
فصل دهم به تفصیل به تنوع تجربه‌های دینی و معنوی پرداخته است. ابتدا، صحبت از عرفان است؛ تنوع تجربه‌های عرفانی و تفکیک میان تجربه عرفانی انفسی و تجربه عرفانی آفاقی، شباهت‌های میان این دو نوع تجربه، مراحل و ویژگی‌های تجربه عرفانی از مباحث این بخش است. در ادامه هم عرفان و روان‌پریشی، و تجربه‌های عرفانی و ورزش مورد بررسی قرار می‌گیرد. از مباحث بعدی این فصل تغییر عقیده دینی و ارتباط آن با تجربه عرفانی است.

رویا و خواب و ارتباط آن با تجربه دینی نیز از مباحث فصل دهم است. از تجربه‌های عرفانی‌ای که هنرمندان، نویسندگان و شاعران بزرگ در خواب داشته‌اند سخن به میان می‌آید. حاصل این که تجربه‌های دینی گذشته تا دوران حاضر نشان می‌دهند که رویاها همیشه بستر مناسبی برای تجربه‌های دینی فراهم کرده‌اند. در ادامه، بحث از ارتباط داروها و تجربه عرفانی پیش کشیده می‌شود. در پایان نیز نویسنده یک طبقه‌بندی از اعتقادات دینی ارائه می‌دهد.

در فصل یازدهم تحت عنوان «مفاهیم خود، روان و مغز»، صحبت از خود، خود برتر و چگونگی خاموش کردن نفس مادون است. سپس آزادی اراده مطرح می‌شود. بر همین اساس سخن از خودآگاه و الگوهای آگاهی به میان می‌آید. تجربه‌های مرگ تقریبی یک بار دیگر در این فصل، از منظری متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسنده بحث درباره تجربه‌های مرگ تقریبی را به بحث درباره عبادت پیوند می‌زند و از ارتباط این دو می‌گوید.

فصل پایانی این کتاب، عنوان پراگماتیستی «دین، تندرستی و رفاه» را به خود اختصاص داده است. ابتدا به تفصیل از پیامدهای مثبت دین برای جسم و روان آدمی سخن به میان آمده است و سپس بسیار کوتاه به پیامدهای منفی دین برای تندرستی برشمرد شده است. در ادامه هم به طور جداگانه صحبت از پیامدهای مثبت و منفی دین و معنویت بر بهداشت روانی است.

سخن اصلی نتیجه‌گیری مختصر این کتاب هم در واقع این است که باید به نظریات امثال فروید پشت کرد و ارتباط دین با طیف بسیار گسترده‌ای از دغدغه‌های بشر را جدی گرفت. ■



پی‌نوشت:

1. David Fontana, Psychology, Religion, and Spirituality. Blackwell, 2003.